

آگاهی و خودآگاهی در پدیدارشناسی روح هگل

محمد مهدی اردبیلی



۱۱	مقدمه ویراستار مجموعه
۱۵	مقدمه‌ای بر چاپ دوم
۱۹	مقدمه: در باب مقدمه‌نویسی
۲۲	جایگاه پدیدارشناسی روح در فلسفه هگل
۲۳	داستان نگارش پدیدارشناسی
۲۵	پدیدارشناسی روح به چه معناست؟
۳۳	فهرست پدیدارشناسی روح
۳۷	توضیحاتی پیرامون فصول این کتاب
۴۱	فصل ۱. پیشگفتار پدیدارشناسی روح
۴۴	هگل در پیشگفتارش درباره پیشگفتارنویسی چه می‌گوید؟
۴۵	چرا متن پیشگفتار تا این حد غامض است؟
۵۰	بررسی تحلیلی-تاریخی پیشگفتار پدیدارشناسی
۵۱	روشنگری و رمانتیسم
۵۷	وساطت
۶۰	جوهر به منزله سوژه، این همانی-درعین-تفاوت
۶۹	حمله به ریاضیات
۷۵	مفهوم نزد هگل
۸۳	فصل ۲. یقین-حسی
۸۵	یقین-حسی چیست؟
۹۱	«این»: تأملی در باب فردیت و این‌بودگی
۹۳	اینجا و اکنون: کلیت مستتر
۹۸	پس رفت به سوژه: خودکشی از ترس مرگ
۱۰۳	فصل ۳. ادراک
۱۰۵	تاریخ ادراک

کلیت ادراکی	۱۰۷
شکل ابتدایی معضل واحد/کثیر	۱۰۸
عامل کثرت؛ سوزه یا ایزه؟	۱۱۲
رویکرد زیرنهادی /عَرَضی	۱۱۶
شیء و فریب	۱۲۰
مواجهه با فریب؛ بوسه مرگ	۱۲۵
فصل ۴. نیرو و فاهمه	۱۲۹
نیرو چیست؟	۱۳۱
بازی خصمانه نیروها	۱۳۵
قانون	۱۳۸
انتقادات مطرح شده علیه قانون	۱۴۴
جهان وارونه	۱۴۸
نامتناهیت و مفهوم	۱۶۰
پیش به سوی خود-آگاهی	۱۶۵
فصل ۵. ورود به خودآگاهی	۱۶۹
میل	۱۷۱
نبرد تا پای جان	۱۷۴
فصل ۶. خدایگان و بندگان	۱۸۳
ترس، خدمت و کار	۱۸۵
مارکس و دفاع از بنده، باتای و حمله به بنده	۱۸۸
دیدگاه متناظر با خدایگان و بنده	۱۹۳
سرنوشت خدایگان	۱۹۶
فصل ۷. تلاش برای آزادی	۱۹۹
رواقی‌گری	۲۰۱
شکاکیت	۲۰۵
فصل ۸. آگاهی ناشاد	۲۱۱
منابع فارسی	۲۲۷
منابع انگلیسی	۲۳۱
واژه‌نامه انگلیسی-فارسی	۲۳۵

مقدمه‌ای بر چاپ دوم

آغاز نگارش این کتاب به ۱۳۸۷ بازمی‌گردد و انتشار نخست آن در سال ۱۳۹۰ به همت انتشارات روزبهان ممکن شد. روشن است که در این سال‌ها تغییرات قابل توجهی در رویکرد من نسبت به هگل به طور عام و پدیدارشناسی روح به طور خاص رخ داده است. در مطالعه چندبارهٔ این کتاب که بیشتر با هدف تدریس آن صورت گرفته، بارها ترغیب شدم که اثر را در اینجا و آنجا اصلاح کنم و افسوس خوردم که چرا فلان ایراد یا بهمان نکته را پیش از چاپ اثر ملاحظه نکردم. در این معنا، یک راه برای مواجهه با این تغییرات، بازنویسی کل کتاب بود که لاجرم منجر به جرح و تعدیل مطالب و افزایش قابل توجه حجم کتاب می‌شد و قطعاً، این کتاب دیگر آن کتاب نمی‌بود. اما پرسش اساسی این است که آیا این کتاب، در همین صورت فعلی، علی‌رغم برخی انتقادات بعضاً وارد، همچنان قابل دفاع و انتشار است؟ اگر چنین باشد، من به خود اجازه می‌دهم با همان استدلالی که گی‌دوبور در پیشگفتارش بر چاپ سوم جامعهٔ نمایش مطرح کرد، این کتاب را به همان صورت سابق حفظ کنم و اگر تغییری و انتقادی به محتوای آن به نظرم رسید، خارج از آن در قالب نقد عرضه کنم (برای نمونه، نگاه کنید به کتاب اخیرم، **هگل: از متافیزیک به پدیدارشناسی**، که در آن، انتقاداتی بر رویکرد سابقم در کتاب حاضر مطرح کرده‌ام). روشن است که مولف

باید همواره از خود انتقاد کند و تن به تغییر بسپرد، اما این تغییر، آنگونه که شعارش این روزها به مد روز بدل شده است، به معنای پاک کردن گذشته نیست. در تفاسیر مورد انتقاد، حتی در همان ایرادات تاپسی و چاپی، مازادی است که در عین حال که نباید به نحوی رمانتیک و نوستالژیک از آن فضیلت ساخت، همچنین نباید تلاش کرد تا آن را و آثارش را به طرزی وسواس گونه پاک و امحا کرد. برخی اشتباهات باید همچون داغی بر پیشانی سوژه باقی بمانند، داغی که البته نه وصله‌ای خارجی، بلکه برسازنده ماهیت سوژه در عرصه نمادین است. البته ماهیت مستقل یک اثر را نباید نادیده گرفت. اثر همچون کودکی که از والدینش جدا می‌شود، شخصیت و کارکردی مستقل می‌یابد و دست و پا زدن والدین برای سر به راه نشان دادن فرزند ناخلفشان، بیش از هر چیز دستمایه طنز اطرافیان و آشنایان می‌شود.

البته در این چند سال اخیر به لطف وقوع انقلاب ترجمه، آثار متعددی درباره هگل تالیف و ترجمه شده‌اند که در این کتاب به آنها اشاره‌ای نشده است. ترجمه فارسی دیگری از پدیدارشناسی روح در سال ۱۳۹۰ منتشر شد که هرچند نسبت به ترجمه فاجعه‌بار نخست گامی به پیش بود، علی‌رغم تلاش‌های قابل تقدیر مترجمش، همچنان گرفتار واژه‌سازی‌های کاذب و دشواری بی‌مبنا و غیرضروری است. همچنین اخیراً شرح استرن - که اثر حاضر در عین حال که

کوشیده بود تا موضع انتقادی خویش را در قبال آن حفظ کند، قویاً تحت تاثیر آن قرار داشت - توسط همین قلم ترجمه و منتشر شده است و همین امر دامنه تفاسیر پدیدارشناسی روح در زبان فارسی را گسترش داده است. روشن است که انتشار این آثار مکمل کتاب حاضرند و در کنار یکدیگر منظومه پژوهشی در باب پدیدارشناسی روح در زبان فارسی را با تمام نواقص و معایب احتمالی اش تشکیل داده و به پیش می‌برند.

اثر حاضر همچنین تاکنون مورد انتقادات مختلفی قرار گرفته است که عمده‌ترین آنها محدود ماندن به تفاسیر و ترجمه‌های انگلیسی‌زبان پدیدارشناسی، ابتدای بیش از حد بر شرح استرن، و همچنین نامشخص بودن موضع نگارنده در برخی مقاطع کتاب است. پاسخ مختصری که می‌توان در عین پذیرش برخی از این انتقادات به آنها داد، این است که این شرح در عین محدودیت در منابع که به محدود بودن دانش و زبان دانی نگارنده در زمان نگارش آن بازمی‌گردد، و همچنین در عین تشنگی در موضع تفسیری اش، بازهم کوشیده است حتی الامکان طرحی پیوسته و منسجم از سیر تکوین دو بخش نخست کتاب پدیدارشناسی ارائه دهد و به زعم نگارنده، با نظر به سایر تفاسیر دستکم در این هدف توفیق یافته است. همچنین در این اثر ایرادات جزئی مختلفی وجود دارد که به دلایل فوق‌الذکر، به جز یکی دو مورد فاحش، هیچکدام را اصلاح

نکرده‌ام. فقط برای نمونه، لازم است اشاره کنم به برخی ایرادات تاپپی و ویرایشی، مانند استعمال تلفظ انگلیسی برای اسامی آلمانی یا استفاده از حروف اول کوچک برای برخی از اسامی در زبان آلمانی مانند *Aufhebung* و *Begriff*. همچنین لازم به ذکر است که رویکرد نگارنده در این سال‌ها در خصوص برخی معادل‌گذاری‌ها دچار تغییراتی شده است که در این خصوص نیز تنها به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنم: در این کتاب در ازای اصطلاح *actual* از معادل برون‌ذات استفاده شده است که از مخاطبان می‌خواهم همان معادل متداول «بالفعل» را در ازای آن، و در نتیجه، معادل «فعلیت» را در ازای «برون‌ذاتیت» قرار دهند.

در نهایت همان‌گونه که در انتهای پیشگفتار اثر حاضر نیز اظهار داشته‌ام، امید خود را، هرچند نه با آن شور و حدّت گذشته، نسبت به نگارش جلد دوم این اثر همچنان حفظ کرده‌ام که به مابقی سفر پدیدارشناسی (عقل، روح، دین و دانش مطلق) بپردازد. البته نباید فراموش کرد که امید، به واسطه سروکار داشتنش با امکان و بالقوگی، در عین حال که تحقق امکان را وعده می‌دهد، خود می‌تواند به بهترین توجیه برای انفعال بدل شود.

محمد مهدی اردبیلی

دی‌ماه ۱۳۹۴